

شبّهات فقهی فرزند خواندگی از منظر اسلام

مریم حبیبی¹

چکیده

فرزندخواندگی دارای سابقه زیادی در طول تاریخ بوده و در آیات و روایات، به آن اشاره شده است. در رابطه با این امر شبّهاتی مطرح نموده اند و اسلام به آن‌ها پاسخ مناسب و جامعی داده است. از جمله شبّهات موجود در زمان جاهلیت، عدم ازدواج با همسر فرزند خوانده بود. با فرمان خداوند به ازدواج پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) با همسر فرزند خوانده‌اش حرمت این امر برداشته شد. باید در نظر داشت که فرزند خوانده مانند فرزند حقیقی انسان نیست و شامل ارث نمی‌شود. طبق آیات و روایات، حرمت ازدواج فرزند خوانده با همسر پدر خوانده یا مادر خوانده، برداشت می‌شود. شبّه‌ی دیگر در رابطه با محرمیت فرزندخوانده با پدر خوانده و مادر خوانده است که طبق دستورات اسلام این محرمیت فقط با رضاع و نکاح صورت می‌پذیرد. این پژوهش به روش کتابخانه‌ای با مراجعه به کتب و مقالات مرتبط، شبّهات فقهی فرزندخواندگی از منظر اسلام را بررسی نموده است.

کلید واژه

اسلام، فرزند خواندگی، شبّهات فرزند خواندگی

¹ سطح 2، حوزه علمیه کوثریه

کودکان، بزرگترین موهبت خداوند به پدران و مادران و نقطه استحکام بنیاد خانواده هستند. خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است. تجربه ثابت کرده است که کودک در فضای خانوادگی بهتر رشد می کند و به تکامل و تعالی می رسد. فرزندی که در محیط خالی از عشق و دلبستگی خانوادگی تربیت و بزرگ می شوند در معرض بحران های عاطفی و روحی قرار خواهند گرفت. متأسفانه در جامعه شاهد کودکانی هستیم که کانون گرم خانوادگی آنان در اثر طلاق یا مرگ یکی از والدین یا هر دو، در اثر حوادث طبیعی مانند زلزله و تصادف و وقایع دیگر متلاشی شده است و یا به علت فرار از ثمره ی تلخ روابط نامشروع و یا به خاطر فقر شدید، کودکان معصوم و بی پناه را می شوند. این کودکان بی گناه بر سر راه یا در اماکن عمومی و مذهبی گذاشته می شوند و از این پس هویت واقعی خود را گم می کنند که معمولاً به موسسات نگهداری کودکان بی سرپرست سپرده می شوند. پذیرش کودکان بی سرپرست به فرزند، خواه به منظور کمک به آنان و خواه در جهت رفع نیازهای معنوی پدران و مادرانی که به هر دلیل فاقد فرزند هستند، از دیر باز در جوامع بشری معمول و مرسوم بوده است. نهاد فرزندخواندگی ضمن برقراری پیوند بین کودکان بی سرپرست و خانواده های بدون فرزند، نیازها و منافع هر دو گروه را متوازن می کند و از تحمیل بار سرپرستی کودکان به دولت جلوگیری بعمل می آورد زیرا سرپرستی از کودکانی که به جهات و علل گوناگون سرپرست خود را از دست داده اند، در درجه اول بر عهده دولتهاست و به همین سبب در بیشتر کشورهای دنیا مراکز خاص دولتی، سرپرستی و نگهداری از این کودکان را بر عهده دارند. در کنار این مراکز، بعضی مؤسسات که توسط اشخاص خیر و نیکوکار تأسیس شده به این وظیفه مهم اشتغال دارند. اما بدیهی است این مؤسسات و سازمانها به رغم وجود امکانات رفاهی، نخواهند توانست جای خالی خانواده واقعی را نزد این کودکان پرکنند. فرزند خواندگی از جمله مسائلی است که شباهت گوناگونی در پیرامون آن مطرح می گردد از جمله مساله ی ازدواج پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با همسر فرزندخوانده اش، مساله ی محرمیت، مساله ی نکاح، ارث و ... برخی از خانواده ها بخاطر اینکه پاسخ مناسبی برای این شباهت خود پیدا نمی کنند از اقبال و پذیرش فرزندخوانده منصرف می شوند. اسلام در جهت تحقق این اهداف، پاسخ شباهت را مطرح نموده است. در رابطه با این موضوع کتب و مقالاتی بررسی شده اند که عبارتند از:

مقاله ی "بررسی فقهی احکام و شرایط فرزندخواندگی در اسلام" نوشته ی خلیل الله احمدوند، بهاره رفیعی و شهلا جاسمی است که با توجه به آیات مطرح شده در قرآن کریم و فقه امامیه و فتوای مجتهدین عظام و شناخت ماهیت فرزندخوانده، احکام و راه های محرمیت فرزندخواندگی را بررسی نموده است.

مقاله ی "آثار فرزندخواندگی در نظام حقوقی ایران" به تلاش زهراسادات مکی، اسماعیل کشکولیان و اکرم السادات مکی است که فرزندخواندگی در نظام حقوقی را بررسی و اصطلاحات قانونی بیشتر و تقویت نظام حمایتی کودکان و نوجوانان بی سرپرست در راستای تعادل میان فرزندخوانده و سرپرست را بیان نموده است.

مقاله ی "بررسی تطبیقی احکام مربوط به فرزند خواندگی در حقوق ایران" به قلم محمد عبداللهی است که به بررسی تطبیقی احکام فرزند خواندگی در فقه اسلامی و حقوق ایران پرداخته است.

مقاله‌ی "فرزند پذیری در آینه دیگران مهم" با تلاش لیلا شرعیاتی وزیری، علی روحانی و عباس عسکری نوشتن است که فرآیند مواجهه والدین فرزندپذیر را با انواعی از فشارهای هنجاری مطالعه می‌کند.

مقاله‌ی "فرزندخواندگی در اسلام" نوشته‌ی یعقوب جعفری است که احکام فرزندخواندگی در اسلام را بیان می‌نماید.

مقاله‌ی "بررسی تحولات مثبت در قوانین فرزند خواندگی" به قلم الناز رضوی نژاد و وحید معین است که به بررسی قوانین مرتبط با تعمیم و توسعه‌ی مصادیق سرپرست و فرزند خوانده با مدنظر قرار دادن جنبه‌های مالی، مادی و معنوی فرزندخواندگی، کاهش تشریفات و شفاف سازی شبهات می‌پردازد.

مقاله‌ی "فرزندخواندگی در قانون ایران" نوشته‌ی مرتضی رحیمی است که قوانین مربوط به فرزندخواندگی تحت هر عنوانی، فرزندخواندگی و یا حمایت از کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست را بررسی می‌نماید.

کتاب "پاسخ‌های اساسی به پرسش‌های دشوار درباره‌ی فرزند خواندگی: آنچه کودکان باید بدانند" نوشته‌ی فنی کوهن هرلم، ضمن آشنا کردن والدین با پرسش‌های گوناگون فرزند خوانده‌شان، با یادآوری نکاتی کاربردی، به کودکان کمک می‌کند تا شرایط خاص خود را در خانواده بپذیرند.

کتاب "فرزندخواندگی در قانون ایران" نوشته‌ی ابراهیم صنوبر، سعی دارد که قانون فرزند خواندگی مصوب سال 1392 در نظام حقوقی ایران را مورد بررسی قرار دهد. این اثر در دو فصل به طور کامل به تکالیف متقابل سرپرست و فرزند خوانده می‌پردازد.

کتاب "فرزندخواندگی در اسلام" به تلاش حسن عالمی طامه، ماهیت و مبانی و منابع فرزندخواندگی و شرایط آن در فقه اسلامی و با هدف تبیین مبانی قانونی فرزندخواندگی، نقد و بررسی قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست و بررسی سؤال‌ها و ابهامات این مسئله نگارش یافته است. این پژوهش در تلاش است تا شبهات فقهی فرزند خواندگی از منظر اسلام را بررسی نماید.

فرزند خواندگی

فرزند خواندگی از نظر لغوی از فرزند خواندن گرفته شده است و به این معنی است که شخصی، بیگانه‌ای را که با وی نسبت فرزند ندارد، فرزند خود بخواند. معنای قبول کردن و پذیرفتن است.¹

معادل عربی آن واژه، دعی به معنای فرزند خوانده، پسر خوانده و کسی که شخص دیگری را پدر خود می‌داند یا خود را از فامیل دیگری می‌داند و جمع آن، ادعیاء می‌باشد که در قرآن استعمال شده است.²

¹ شریعتی نسب، صادق، فرزند خواندگی، ص ۲۴.

² افراهم البستانی، قواد، فرهنگ جدید عربی-فارسی، ص ۱۵۷.

و واژه ی تبنی به معنای بچه ی کسی را به فرزند ی گرفتن و پسر خواندگی است.¹

کودکی که به فرزند ی پذیرفته شده است را نیز فرزندخوانده می نامند.²

در اصطلاح، فرزند خواندگی یک نهاد حقوقی است که به واسطه ی آن رابطه ی خاصی میان زن و مرد و فرزند ی که متعلق به آنها نیست؛ ایجاد می گردد. زن را مادر خوانده و مرد را پدر خوانده و فرزند را فرزند خوانده می نامند.³

اما فرزند خواندگی از نظر حقوقی عبارت است از واگذاری سرپرستی کودکان بی سرپرست تحت سرپرستی و نظارت سازمان بهزیستی به خانواده های متقاضی که واجد شرایط قانون جاری حمایت از کودکان بی سرپرست می باشند.⁴

فرزندخوانده کسی است که دیگری (غیر از پدر و مادر واقعی) او را به فرزند ی پذیرفته باشد.⁵ بر اساس فرزندخواندگی، رابطه خاصی میان فرزندخوانده و پدرخوانده و مادرخوانده به وجود می آید.⁶ در اصطلاح فقهی، فرزندخواندگی این است که شخص بر اساس بدون دلیلی برای اثبات فرزند ی، فرزند دیگری را فرزند واقعی خود بگیرد؛ چه این فرزند، نسبتش با والدینش ناشناخته باشد، مانند بچه سرراهی (لقیط) یا معلوم باشد، مانند یتیم.⁷

تاریخچه فرزندخواندگی

فرزندخواندگی سابقه نسبتاً طولانی دارد.⁸ پیش از اسلام و در دوران جاهلیت و نیز در میان امت های پیشرفته آن روز مانند روم و فارس⁹، و در ایران قبل از حمله اعراب و برقراری احکام اسلامی¹⁰ مرسوم بوده است.

در عربستان پیش از اسلام، فرزندخواندگی یا تَبَنّی رواج داشت و فرزندخوانده را دُعی می نامیدند. همچنین فرزندخوانده از فرزندپذیر ارث می برد و نکاح با همسر او بر پدرخوانده ممنوع بود.¹¹

نزول آیاتی درباره فرزندخواندگی، نشانگر رواج فرزندخواندگی در عصر نزول قرآن نیز دانسته شده است.¹²

1 عمید، حسن، فرهنگ عمید، ج ۱، ص ۵۱۷.

2 آریان پور کاشانی، منوچهر، فرهنگ جامع پیشرو فارسی- انگلیسی، ج ۳، ص ۲۴۰۷.

3 شریعتی نسب، صادق، فرزندخواندگی، ص ۲۵.

4 عالمی طامه، حسن، عقد فرزندخواندگی، ص ۲۶.

5 هاشمی شاهرودی، محمود، فرزندخوانده، ص ۶۸۰.

6 خنجری علی آبادی، امین و یعقوب سیفی علمی، بررسی فرزندخواندگی در فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران، ص ۱۱.

7 انصاری شیرازی، قدرت الله و پژوهشگران مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)، موسوعة أحكام الأطفال و ألفتها، ج ۳، ص ۲۳۴.

8 امامی، اسدالله، وضع حقوقی فرزندخواندگی در ایران، ص ۲۴.

9 طباطبائی، محمدحسین، المیزان، ج ۱۶، ص ۲۷۵.

10 امامی، اسدالله، وضع حقوقی فرزندخواندگی در ایران، ص ۲۴.

11 حجت، مبین، تحولات فرزندخواندگی در نظام حقوقی اسلام، ایران و فرانسه، ص ۳۰.

12 سبزواری، سید علی بن عبد الأعلى، الاستنساخ بین التقنیة و التشريع، ص ۱۳۳.

قرآن، دوبار به سابقه فرزندخواندگی در پیش از اسلام اشاره کرده است. مورد اول آیه نهم سوره قصص است؛ هنگامی که حضرت موسی را از آب گرفتند همسر فرعون (آسیه) گفت او را به فرزندی بگیریم شاید به ما سودی برساند. مورد دوم آیه ۲۱ سوره یوسف است؛ وقتی که عزیز مصر یوسف را خرید، به همسرش زلیخا گفت او را به فرزندی بگیریم.¹

همچنین در آیه ۷۴ سوره انعام، آزر، پدر حضرت ابراهیم خوانده شده است، اما از آنجا که او عمو یا همسر مادر حضرت ابراهیم بوده است، نتیجه گرفته‌اند که آزر، حضرت ابراهیم را به فرزندخواندگی پذیرفته بود.²

برخی مفسران نیز فرزندخواندگی را از مصادیق پیمانی می‌دانند که در آیه ۳۳ سوره نساء به آن اشاره شده است: «و کسانی که شما [با آنان] پیمان بسته‌اید».³

اعراب درباره خداوند نیز موضوع فرزندخوانده و فرزنددعایی را اظهار می‌کردند.⁴

آیاتی از قرآن به این موضوع اشاره دارند؛ مانند: «وَقَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا ۚ سُبْحَانَهُ بَلْ لَّهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلٌّ لَّهُ قَانُتُونَ»؛ گروهی گفتند: خدا دارای فرزند است. او پاک و منزّه از آن است، بلکه هر چه در آسمانها و زمین است ملک اوست و همه فرمانبردار اویند.⁵

این آیه در مدینه بر پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) نازل گردیده است.⁶

این آیه درباره یهودیان نازل گردیده که می‌گفتند: عزیر پسر خدا است و نیز درباره مسیحیان نزول یافته که می‌گفتند: مسیح پسر خدا است و همچنین درباره مشرکین بوده که معتقد بودند فرشتگان دختران خداوند.⁷

«قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ هُوَ الْغَنِيُّ ۚ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ إِنَّ عِنْدَكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ بِهَذَا ۚ أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ»؛ کافران قائل شدند که خدا فرزندی اتخاذ کرده (چنین نیست) او منزّه است و هم بی‌نیاز که هر چه در آسمانها و زمین است همه ملک اوست، و شما کافران و مشرکان بر این قول خود هیچ دلیلی ندارید، آیا بی‌دلیل و از روی جهالت نسبت به خدا چنین دروغ سخن می‌گویید؟!⁸

اتخاذ ولد، یعنی کسی را به فرزندی گرفتن. که این غیر از تولد و فرزند داشتن است.

مشرکان، فرشتگان را دختران خدا می‌دانستند و یهود، «عزیر» را و مسیحیان «عیسی» را فرزندان خدا گرفتند.

¹ قرآنتی، محسن، تفسیر نور، ج ۶، ص ۵۲.

² غفاری، علی اکبر، صانعی پور، محمدرحمن، حسومی، ولی الله، دراسات فی علم الدرايه، ص ۱۳۸.

³ عالمی طامه، حسن، عقد فرزندخواندگی، ص ۴۸-۴۹؛ تبادکانی، ارث، دائرة المعارف قرآن کریم، ج ۲، ص ۴۸۹.

⁴ مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۳، ص ۲۱۹.

⁵ بقره: ۱۱۶.

⁶ طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۱۱.

⁷ محقق، محمدباقر، نمونه بینات در شأن نزول آیات از نظر شیخ طوسی و سایر مفسرین خاصه و عامه، ص ۳۳.

⁸ یونس: ۶۸.

شیر زن برادر زن را بخورد، که پسر برادر رضاعی زن می شود یا شیر دختر برادر زن را بخورد.

صیغه نکاح

الف - اگر دختر شیر خوار نباشد یا اگر شیر خوار است و شیرموارد فوق وجود ندارد می توان به وسیله صیغه نکاح موقت بین دختر و پدر مرد یا پدر بزرگ او محرمیت ایجاد می شود ولی باید توجه داشت که اگر دختر نابالغ باشد نکاح مذکور باید به اذن ولی شرعی او باشد و در صورت نبودن ولی، باید از مجتهد جامع شرایط اذن گرفت. در هر صورت نباید صیغه محرمیت برای دختر بچه مفسده داشته باشد. بلکه رعایت مصلحت او لازم است. کما اینکه اگر دختر بالغ باشد اذن پدر یا جد پدری به احتیاط واجب معتبر است.

ب- اگر پسر شیرخوار نباشد و مادر خوانده، مادر بدون شوهر داشته باشد، او را به عقد دائم یا موقت پسر در آورند پس از دخول او به مادر خوانده، ربیبه ی او می شود و به او محرم می شود.¹ البته در این مقاله به طور اجمالی به این بحث اشاره شده است. در این راستا می توان به دیدگاه های دیگر مراجع عظام تقلید نیز مراجعه کرد.

پرورش و سرپرستی کودکی که بدون سرپرست است و یا سرپرستان او، از نگهداریش عاجز بوده و با رضایت کامل، فرزندشان را به دیگری می سپارند، به لحاظ شرعی ایرادی ندارد، بلکه این امر در دین مبین اسلام ستایش شده است.

تا جایی که پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم)، درباره ی کسی که کفالت و سرپرستی یتیمی را بر عهده می گیرد، فرمودند: «مَنْ كَفَلَ يَتِيمًا وَ كَفَلَ نَفَقَتَهُ، كُنْتُ أَنَا وَ هُوَ فِي الْجَنَّةِ كَهَاتَيْنِ. وَ قَرَنَ بَيْنَ إِبْصَعَيْهِ الْمُسَبَّحَةِ وَ الْوُسْطَى»؛ چنین شخصی همنشین من در بهشت است.²

در قوانین کشورها، جهت مراعات حال کودکی که در آن زمان از اختیار کافی برخوردار نیست، مقرراتی را برای این موضوع قرار داده اند، که برخی از این مقررات (چون نازا بودن زوجینی که می خواهند مسئولیت کودک را به عهده گیرند) به همین دلیل وضع شده است و گرنه شرعاً، زوجینی که فرزندی هم دارند می توانند کودک دیگری را به فرزندخواندگی قبول کنند. البته اسلام، فرزند خوانده و فرزند واقعی انسان را در احکام و حقوق یکسان نمی داند، و حتی در قرآن کریم به این نکته اشاره می فرماید که «وَ مَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ»؛ «خداوند فرزندخوانده های شما را، فرزند حقیقی شما قرار نداده است».³

در ارتباط با مسئله محرمیت گاه این سوال پیش می آید که با توجه به اینکه اطلاع یافتن فرزندخوانده از فرزندخواندگی باعث تالم روحی برای او می گردد آیا دلیلی بر این آگاهی وجود دارد. این که اطلاع دادن به فرزندخوانده، موجب تالم روحی او می گردد، دلیل نمی شود که همه جا سکوت کرد؛

¹ فاضل لنگرانی، محمد، جامع المسائل، ج 1، ص ۴۳۴.

² حمیری، عبد الله بن جعفر، قرب الإسناد، ص ۹، ح ۳۱۵.

³ احزاب: ۴.

زیرا در بعضی اوقات آگاه ساختن وی از باب وجوب اعلام جاهل واجب است؛ برای مثال اگر پسری که به فرزندى قبول شده، به واسطه عدم اطلاع از حقیقت حال، با مادر و خواهر مجازى مانند محرم واقعی رفتار کند، مو و بدن آنها را نگاه یا لمس نماید یا تصمیم ازدواج با کسانى بگیرد که جزو محارم حقیقی اش هستند و او آنها را بیگانه می پندارد، در این صورت جلوگیری وی از انجام حرام بدون اعلام و آگاه ساختن وی ممکن نیست و اعلام، واجب است. فقیهان شیعه در مانند این مسائل، ارشاد جاهل را واجب می دانند. این مساله به خصوص برای مادر و خواهر مجازى ضرورت دارد چون اگر خود را نپوشانند و در صورت عدم رعایت حدود شرعی فرزندخوانده، او را آگاه نسازند خودشان هم معصیت کار هستند.¹

¹ هاشمی نیا، محمد باقر، دفاع از فقه و سیاست اسلامی، ص ۶۴.

نتیجه گیری

آنچه از این پژوهش بدست می‌آید:

۱- فرزندخواندگی پیش از اسلام، در زمان جاهلیت، در میان امت‌ها سابقه داشته است. در قرآن نیز در چند آیه به آن اشاره شده است.

۲- در رابطه با فرزند خواندگی، شبههاتی فقهی مطرح شده و پاسخ آن‌ها را اسلام داده است.

۳- یکی از این شبهات عدم ازدواج با همسر فرزندخوانده بود که اسلام این مقررات خرافی را به شدت نفی کرده به گونه ای که پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله وسلم) با ازدواج با همسر فرزند خوانده خویش(زید بن حارثه) به این رسم جاهلی خاتمه دادند.

۴- شمول ارث برای فرزند خوانده نیز از شبهات مطرح شده است و اثبات عدم آن با آیه ۳۳ سوره احزاب بوده است. با توجه به روایات، ارث فقط شامل فرزندان حقیقی است و فرزندخوانده را شامل نمی‌شود.

۵- با توجه به شبهه عدم حرمت نکاح فرزندخوانده با همسر پدر خوانده می‌توان گفت: نکاح فرزند خوانده با همسر پدر خوانده طبق آیه ۲۲ سوره نساء حرام بوده و آیه صراحتاً این امر را بیان نموده است.

۶- در پاسخ شبهه محرمیت فرزند خوانده با پدر خوانده و مادر خوانده، فقه اسلامی و آموزه های وحیانی، عدم محرمیت فرزند خوانده با پدر خوانده و مادر خوانده را بیان نموده اند. البته از طریق می‌توان این محرمیت را به گونه‌ای صحیح ایجاد کرد و آن از طریق رضاع و نکاح خواهد بود.

فهرست منابع

- 1- آریان پور کاشانی، منوچهر، فرهنگ جامع پیشرو فارسی- انگلیسی، ج ۳، تهران: جهان رایانه، ۱۳۸۱ ه.ش.
- 2- افرام البستانی، فواد، فرهنگ جدید عربی- فارسی، چاپ دهم، مترجم: محمد بندرریگی، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۳ ه.ش.
- 3- امامی، اسدالله؛ صفایی، حسین، مختصر حقوق خانواده، چاپ هشتم، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۴ ه.ش.
- 4- -----، وضع حقوقی فرزندخواندگی در ایران، مجله پژوهش‌های فلسفی کلامی، شماره ۱۲، زمستان ۱۳۷۸ ه.ش.
- 5- انصاری شیرازی، قدرت الله و پژوهشگران مرکز فقهی ائمه اطهار (علیهم السلام)، موسوعة أحكام الأطفال و أدلتها، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)، چاپ اول، ۱۴۲۹ ه.ق.
- 6- تبادکانی، سیدحسن، ارث، دائرة المعارف قرآن کریم، قم: مرکز فرهنگ و قرآن کریم، چاپ چهارم، ۱۳۸۲ ه.ش.
- 7- حجت، مبین، تحولات فرزندخواندگی در نظام حقوقی اسلام، ایران و فرانسه، فصلنامه حقوقی گواه، ۱۳۸۴ ه.ش.
- 8- حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، تفسیر اثنی عشری، حسین حسینی شاه عبدالعظیمی، تهران: انتشارات میقات، چاپ اول، ۱۳۶۳ ه.ش.
- 9- خنجری علی‌آبادی، امین و یعقوب سیفی علمی، بررسی فرزندخواندگی در فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران، فصلنامه علمی حقوقی قانون یار، بهار ۱۳۹۶ ه.ش.
- 10- سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، قم: موسسه بوستان کتاب، چاپ بیست و نهم، ۱۳۸۹ ه.ش.
- 11- سبزواری، سید علی بن عبدالأعلى، الاستسناخ بین التقنیة و التشريع، قم: دفتر آیت الله سبزواری، چاپ دوم، ۱۴۲۳ ق.
- 12- شریعتی نسب، صادق، فرزندخواندگی، تهران: پژوهشکده حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۶ ه.ش.
- 13- طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۱۶، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ه.ش.
- 14- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه: احمد بهشتی، تهران: فراهانی، ج ۱، ۱۳۵۲ ه.ش.
- 15- عالمی طامه، حسن، فرزندخواندگی در اسلام، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۱ ه.ش.

- 16- عمید، حسن، فرهنگ عمید، ج ۱، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۰ ه.ش.
- 17- غفاری، علی اکبر، صانعی‌پور، محمدحسن، حسومی، ولی الله، دراسات فی علم الدرايه، قم: دانشگاه اصول الدین، ۱۳۸۷ ه.ش.
- 18- فاضل لنکرانی، محمد، جامع المسائل، ج ۱، قم: انتشارات امیرالعلم، ۱۳۸۳ ه.ش.
- 19- قرائتی، محسن، تفسیر نور، ج ۶، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳ ه.ش.
- 20- کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی خانواده، ج ۲، تهران: نشر میزان، ۱۴۰۲ ه.ش.
- 21- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ج ۶۸، ۱۴۰۳ ه.ق.
- 22- محقق، محمدباقر، نمونه بینات در شأن نزول آیات از نظر شیخ طوسی و سایر مفسرین خاصه و عامه، تهران: اندیشه اسلامی، ۱۳۸۴ ه.ش.
- 23- مصطفی شاکر، کمال، ترجمه خلاصه تفسیر المیزان، مترجم: فاطمه مشایخ، تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۸۶ ه.ش.
- 24- مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، ۱۳۸۵ ه.ش.
- 25- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ج ۱۷، ۱۳۷۴ ه.ش.
- 26- هاشمی شاهرودی، سید محمود، فرزندان خوانده، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع)، چاپ اول، ۱۳۹۲ ه.ش.
- 27- هاشمی نیا، محمد باقر، دفاع از فقه و سیاست اسلامی، چاپ اول، قم: انتشارات وثوق، ۱۳۸۶ ه.ش.
- 28- حمیری، عبد الله بن جعفر، قرب الإسناد، قم: مؤسسة آل البيت (علیهم السلام)، چاپ اول، ۱۴۱۳ ه.ق.